

کوتاه دیپلماسی

رایزنی‌های پاکستان در ۴ کشور

● وزیر خارجه پاکستان دیروز در ادامه سفرهای منطقه‌ای خود وارد تهران شد. شاه‌حمود قریشی پیش از سفر به ایران در تویییتی نوشت: «در دو روز به چهار کشور می‌روم. ما پیش از پایان سال از حجم کار خود نمی‌کاهیم. من امروز صبح (یکشنبه) مذاکرات سازنده‌ای با مقامات افغان داشته‌ام. مقصد بعدی من ایران است. ارتباطات منطقه‌ای و نقطه‌نظرات مشترک برای پیش‌سرفت ضروری هستند». قریشی در کابل با اشر فغنی، رئیس‌جمهور و صلاح‌الدین ربانی، همتای افغان خود دیدار کرد. وزیر خارجه پاکستان دیروز در کابل گفت: «به‌موقعیت‌رساندن صلح افغانستان مسئولیت تمام منطقه است.» این در حالی است که در دو دهه گذشته افغانستان، پاکستان را حامی تروریست‌ها در خاک خود می‌داند. پیش از وزیر خارجه نیز نخست‌وزیر پاکستان گفته بود که صلح افغانستان به سود اسلام‌آباد است؛ اظهارنظرهایی که نشانه‌های تغییر استراتژی پاکستان تحت فشارهای آمریکا در آن آشکار بود. قریشی هم در همین راستا دیروز گفت که افغانستان بابت‌ا و امن به‌نفع پاکستان است و تاکید کرد که کشورش برای آوردن صلح در افغانستان تلاش خواهد کرد. وزیر خارجه پاکستان دیروز صبح کابل را به مقصد تهران ترک کرد. او که بعد از ایران به روسیه و چین می‌رود، هدف سفر خود را اعتمادسازی منطقه‌ای عنوان کرد. قریشی در تهران با همتای خود دیدار کرد. گفته شد که در این دیدار درخصوص آخرین تحولات، روابط دوجانبه و مهم‌ترین مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو و رایزنی شده است. دولت پاکستان هم به‌نقل از وزیر خارجه این کشور در تویییتی نوشت: «دولت پاکستان مایل است بیش‌ازپیش ارتباط‌های سیاسی و اقتصادی خود را با ایران افزایش دهد». موضوع دیگری که می‌تواند در روابط دوجانبه بین وزرای خارجه ایران و پاکستان مطرح شده باشد، امنیت مرزهای مشترک است؛ هم‌که موضوعی که محمدجواد ظریف را راهی پاکستان کرده بود. وزیر خارجه ایران گفته بود که هدف سفرش پیگیری وضعیت گروگان‌های ایرانی است که در مرز میرجاوه روده و به داخل پاکستان برده شدند. هرچند پنج مرزبان روده‌شده به ایران بازگشتند، اما هنوز وضعیت باقیی آنها مبهم است. مهرماه سال جاری ۱۲ مرزبان ایرانی در مرز میرجاوه روده شدند. گروه تروریستی موسوم به «جیش‌العدل» مسئولیت این حمله را برعهده گرفت. از سوی دیگر چندی پیش هم هفت سرباز پاکستانی در مرز مشترک با ایران کشته شدند. مقامات ایران این حادثه را محکوم کردند و طرف پاکستانی هم سفیر ایران را احضار کرد تا مراتب اعتراض خود را رسماً به تهران ابلاغ کند.

ظریف: منتظر اروپایی‌ها در انجام تعهداتشان نمی‌مانیم

● ایسنا: محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، در گفت‌وگو با شبکه‌المیادین گفت: «حضور آمریکا در سوریه از همان ابتدا غیرقانونی بود. آمریکا به‌طور مطلق با داعش نجنگید و حضور آن به نفع ملت سوریه با پا موافقت دولت آن کشور نبود. ما اطلاعات کافی در رابطه با برنامه‌های آمریکا در سوریه نداریم، به همین دلیل موضع مشخصی اتخاذ نمی‌کنیم». وزیر امور خارجه ایران در ادامه گفت: «نگرانی ترکیه از عملیات تروریستی را درک می‌کنیم و هرگونه اقدام نظامی لازم است با هماهنگی دولت سوریه اتخاذ شود. ما همیشه به دوستانمان در ترکیه گفتیم که عملیات نظامی بدون موافقت دمشق نمی‌تواند به حل بحران کمک کند». او با اشاره به اینکه ایران آماده است تا امنیت منطقه مشترک باشد و هیچ‌یک از کشورها علیه کشور دیگری نباشند، افزود: «مسعودی‌ها ده‌ها میلیارد دلار در جنگ یمین هزینه کردند، اما چه چیزی را محقق کردند؟» وزیر خارجه در رابطه با خروج آمریکا از برجام گفت: گزینه‌های زیادی بعد از خروج آمریکا از برجام داریم و هرگاه مصلحتت ملی اقتضا کند، این گزینه‌ها را به کار می‌گیریم. ظریف درباره نقش اروپایی‌ها در برجام گفت: «اروپایی‌ها در اجرای تعهداتشان به توافق هسته‌ای کُند عمل می‌کنند، ما منتظرشان نخواهیم ماند، مگر اینکه گام‌های عملی اتخاذ کنند».

ورود شهردار لندن به مسئله نازنین زاغری

● ایسنا: شهردار لندن به مسئله یک زندانی دوتابعیتی در ایران ورود کرد و خواستار آزادی هرچه سریع‌تر وی شد. به گزارش بی‌بی‌سی، صادق‌خان پس از دیدار با ریچارد رتکلیف، شوهر نازنین زاغری، زندانی دوتابعیتی ایرانی- انگلیسی، از حمایت خود برای ترغیب مقامات ایرانی به منظور آزادی این زندانی دوتابعیتی در ایام کریسمس خبر داد. او ادعا کرد: «نازنین به غلط دو سال در زندان ایران حبس شده است. او هیچ کار اشتباهی نکرده و هیچ قانونی را زیر پا نگذاشته است. اتهامات مطرح‌شده علیه وی اشتباه هستند». شهردار لندن افزود: «با نزدیک‌شدن کریسمس، ما از مقامات ایرانی می‌خواهیم که وی را آزاد کنند تا او بتواند به خانه بازگردد و به خانواده‌اش ملحق شود».

politics@sharghdaily.ir

اعلامیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه ایالات متحده نیروهای خود را از سوریه بیرون می‌کشد، در لحظه‌ای کلیدی در منطقه از راه رسید؛ در زمانی که بازیگران مختلف درگیر در جنگ، برای نظم سیاسی پسمانزاعه آماده می‌شوند و کارزاری که ایالات متحده رهبری می‌کند، در تلاش است آخرین باقی‌مانده‌های مقاومت داعش را از بین ببرد.

حضور تقریباً دوهزار نفر نیروهای ایالات متحده ممکن است به نظر کم بیاید اما تصویر بزرگ‌تر مهمی در کار است. یکی از جنبه‌های ماجرا این است که حفظ نیروها در سوریه، اهمیتی ندادنی دارد. علاوه‌براین، حضور آمریکا تقریباً همیشه به‌واسطه ساختارهای نظامی بزرگ و بی‌رقییبی که در منطقه دارد، اثری چندبرابری می‌یابد. نیروهای حامی دولت دمشق، در فوریه (همبر) درس سختی دراین‌باره گرفتند و دشمنان ایالات متحده می‌دانند که توانایی‌های نظامی آمریکا در سوریه فراتر از حضور نیروهایش می‌رود.

حال ایالات چشم‌انداز از بین رفته است.

خروج ایالات متحده از سوریه ممکن است هم در سوریه و هم در عراق اجازه بازگشت به داعش بدهد و خلأیی ایجاد کند که به احتمال زیاد دولت اسد و ایران آن را پر خواهد کرد. این خروج، متحدان کرد (و عرب) در منطقه را هم تنها می‌گذارد.

مشکلات پیش ازترامپ

ایالات متحده پیش‌تر هم در چنین موقعیتی بوده است. بعد از همکار نزدیک‌تر ایالات متحده با نیروهای عراقی سنی عرب محلی معروف به «جیش‌بیداری» برای عقب‌راندن جهادی‌ها و آزادکردن عراق شمالی، تاساخ پیشین داعش را که القاعده در عراق بود، به کنجی رانده بود؛ اما پس‌ازآن، نیروهای ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ با دستور رئیس‌جمهور اوباما عقب‌کشیدند. در فاصله فقط سه سال، جهادی‌ها دوباره ظهور کردند، کنترل قلمروهای گسترده‌ای از سوریه و عراق را به دست گرفتند و با استفاده از جنگ داخلی سوریه، تنش‌های فرقه‌ای در عراق و سقوط ارتش عراق، شبه‌حکومت خود را در جولای ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) بنیان نهادند و اعلام کردند.

همان‌طورکه خروج اوباما از عراق در سال ۲۰۱۱

(۱۳۹۰) هم نشان داد، ایران برای برگردن خلأیی که ایالات متحده به جا می‌گذارد ظرفیت ثابت‌شده و مؤثری دارد تا در آن نیروهای نیابتی‌اش را تقویت و تعمیق کند. این اتفاق هم به‌طور مستقیم منافع و متحدان آمریکا در منطقه را تضعیف می‌کند.

این خروج برای داعش چه معنایی دارد

شاید داعش «خلافتش» را از دست داده و در حال سقوط باشد اما هنوز با شکست فاصله زیادی دارد. به‌جای آن داعش همچنان تهدیدی ترسناک برای سوریه و عراق است. در هر دو کشور، این سازمان جهادی ثابت کرده که نیرویی توانمند و انعطاف‌پذیر است که در حال تلاش برای برپایی دوباره، جبهه‌های کوچک مقاومت خود در مقابل

نیروهای محلی را همچنان حفظ می‌کند و هم‌زمان کارزاری از ترورها،

حملات و اخادی‌ها را علیه جوامع

محلی به راه می‌اندازد. به عبارت دیگر، ترامپ دارد

مرکب همان اشتباهاتی می‌شود که اوباما شده بود.

خروج ترامپ از سوریه به داعش اجازه می‌دهد که خود را در ماه‌ا و سال‌های آینده احیا و خود را بازآفرینی کند و به کسب قلمرو در محیط‌های دیگر منازعه بپردازد و این ممکن است به این گروه کمک کند برای سال‌های سال دوباره اوج بگیرد. داعش و دیگر افراطی‌ها برای بسنج‌کردن سوری‌های مستعدی که گستره‌ای از ناراضی‌ها را دارند، سستی بازتر خواهند داشت. علاوه‌براین، اگرچه ممکن است ترامپ بر این باور باشد که روسیه کار مقابله با داعش و تبارش را بر عهده می‌گیرد، سابقه مسکو در طول منازعات طور دیگری می‌نماید.

وزیر خارجه روسیه خبر داد:

محل استقرار مقرهای ترکیه، ایران وروسیه در ادلب

وزیر خارجه روسیه جزئیاتی از تفاهنامه مذاکرات آستانه را مطرح کرده است. سرگئی لاوروف ایجاد منطقه امن در ادلب را دستاورد مهم مذاکرات آستانه دانست و گفت: «بر اساس این تفاهنامه، در داخل منطقه امن ادلب، مقرهای بازرسی ترکیه و در امتداد مرزهای آن و در خارج از آن مقرهای ایرانی و روسی مستقر می‌شوند». به گزارش «ایرنا»، سرگئی لاوروف در مصاحبه تفصیلی با خبرگزاری ریائونوستی ادامه داد: «امضای تفاهنامه ایجاد منطقه امن ادلب با تصمیماتی که در مذاکرات آستانه برای ایجاد مناطق امن چهارگانه در سوریه گرفتیم، امکان‌پذیر شد». لاوروف با اشاره به پیشرفت‌هایی که در حل مسئله سوریه با همکاری روسیه، ایران و ترکیه به دست آمد، افزود: «روابط با هر یک از این کشورها ویژگی خود را دارد؛ روسیه در چارچوب مذاکرات آستانه با ایران و ترکیه برای حل بحران سوریه همکاری می‌کند».

وزیر خارجه روسیه همچنین به کمیته قانون اساسی سوریه به‌عنوان دستاورد مهم دیگر مذاکرات آستانه اشاره به اضافه کرد: «با میانجیگری آمریکا از سوریه هدیه کریسمس به ایران و روسیه بود. او در یادداشتی در روزنامه نیویورک‌تایمز به بررسی تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا پرداخت و نوشت: «رئیس‌جمهور ترامپ با تصمیمات بی‌پروای خود که به بازنشستگی جیمز متیس منجر شد، بیش از هر دشمن خارجی‌ای

دیپلماسی

تحلیل صادق ملکی، کارشناس روابط بین‌الملل درباره خروج آمریکا از سوریه:

دمشق در آستانه صلح مسلح



❧ برخی تحلیل‌ها بر این است که آمریکا با خروج از سوریه می‌تواند معادلات جدیدی را رقم بزند؛ مثلاً معادلات با نقش آفرینی عربستان یا اتحادیه عرب. چقدر این احتمال را جدی می‌دانید؟

این موضوع را که با خروج آمریکا از سوریه این خلأ را اهربدی را عربستان بر کند، چندان جدی نمی‌دانم. بحران سوریه، بحرانی چندوجهی، پیچیده و در برخی عرصه‌ها پایدار خواهد ماند؛ اما از میزان گرمی این بحران می‌تواند کاسته شده و فضای جنگ سرد یا صلح مسلح بر شرایط آن حاکم خواهد شد. بحران سوریه پایان نخواهد یافت، اما مجدداً به شرایط وخیم قبلی نیز باز نخواهد گشت. عربستان گرفتار یمن بوده و در سوریه نیز بیشتر نقش لجستیکی و تأمین مالی داشته و نقش اصلی سلبی در مقابل محور مقاومت را بیشتر ترکیه برعهده داشته است. برخی از امکان برخورد میان تل آویو و ایران سخن گفته‌اند که احتمالاً وقوع‌نیافتن آن را روس‌ها مدیریت خواهند کرد.

❧ ترامپ گفته «داعش را شکست دادیم و از سوریه خارج می‌شویم».

روی زمین و در عمل چقدر تهدید و نگرانی داعش همچنان پُررنگ به نظر می‌رسد؟

داعش به معنای یک تهدید بزرگ دیگر وجود ندارد. زمانی بخش اعظم سوریه و ۴۰ درصد عراق در اشغال داعش با نیروهای متحد آن بود. نگاهي به نقشه جغرافیایی و شرایط دمشق و بغداد نشان می‌دهد اوضاع تغییر کرده است. توجه داشته باشید که داعش شکار یک تفکر است که این تفکر همچنان زنده است و بعید است بتوان بزودی آن را پایان داد. داعش در مسکو بُعد نظامی، با آنکه شکست خورده اما عنصری است که با توجه به شرایط و سیاست دولت‌ها امکان بازگشت به قدرت را دارد. داعش تمام نشده اما به محاق رفته است و با توجه به سیالیت نیروهای تروریستی و بسترها و سرمایه‌گذارها در شرایط خاص امکان ظهور خواهد یافت. این امکان ظهور حتی در مناطق خاص ایران و به‌هنگامی‌که کشور دچار بحران شود نیز وجود دارد. کسانی که داعش را مدیریت کردند به بخش بزرگ اهداف خود دست

یافتند. سوریه ویران و از عنصر تهدید برای اسرائیل خارج شد. عراق همچنان درگیر تبعات ظهور داعش است، اینکه گفته می‌شود داعش شکست خورد، اگرچه از نگاهی درست است، از دریچه‌ای دیگر باید گفت داعش پیروز شده و به اهداف تعیین و تعریف‌شده رسیده و فعلاً به بایگانی راکد سپرده شده است. داعش سبب شد سوریه نتواند برای سال‌ها، مرزهای اسرائیل را تهدید کند. داعش به چهره اسلام صدمه‌ای جدی زد. آن هم درحالی‌که داعش و مدعیان مبارزه با آن هر دو الله‌اکبر گفته و خود را نماد اسلام معرفی کردند. قبلاً در یاداشتی نوشتم که ظهور داعش یکی از عوامل بسیار مؤثر در سکولاریزه‌شدن خاورمیانه خواهد شد. این روندی است که پیش می‌رود و کماکان به آن اعتقاد دارم. به‌هرحال ایران و حوزه نفوذ آن شاید هدف سیاسی ظهور داعش بود، اما ظهور داعش هدفی فراتر داشت که دورشدن از اسلام و روگردن به سکولاریسم از جمله هدف‌های مهم آن بود. به وضعیت منطقه قبل و بعد از ظهور داعش دقت و آنها را باهم مقایسه کنید. دمشق به‌جای آنکه به جولان بیندیشد در فکر حفظ حلقه دمشق و پس از آن، احیای حاکمیت خود بر سوریه است. قبل از ظهور داعش، ایران در کجای سوریه بود و امروز کجا ایستاده است. البته با شروع تحریم‌ها این حوزه نفوذ تحت تأثیر قرار گرفته است. مقامات ترکیه نهنتها نتوانستند در حلب دو ماهه نماز برگزار کنند، بلکه امروز با جدی‌ترین تهدید پس از جمهوریست در مرزهای جنوبی خود مواجه‌اند. در واقع عمده کشورهایی که جنگ نیابتی در سوریه داشته‌اند بیش از آنکه خود را در جبهه پیروز ببینند باید خود را در صف شکست‌خورده‌ها ارزیابی کنند. پیروز اصلی ظهور داعش اسرائیل و از سوی دیگر کردها بوده‌اند.

❧ گفته شده است ترکیه قصد دارد بار دیگر دست به عملیات در شمال سوریه بزند، نظیر آنچه در غفرین گذشت. این اقدام چقدر می‌تواند بر مسئله کردی تأثیر بگذارد؟

فعلاً ترکیه اعلام کرده است عملیات شرق فرات را به تاخیر انداخته است.

این تاخیر بی‌ارتباط با اعلام خروج آمریکا از سوریه و گرفتن تضمین برای انجام‌دادن عملیات یا عملیات محدود از سوی واشنگتن از آنکارا نبوده و نیست. آمریکا در انتخاب نهایی میان کردها و آنکارا، حتماً ترکیه را انتخاب می‌کند، اما دقت کنید در معادلات سیاسی، امنیتی و نظامی، رسیدن به نقطه انتخاب نهایی بسیار پُرسک بوده و عملاً کمتر اتفاق می‌افتاد. به‌نظر می‌رسد استفاده ابزاری از کردها در دستور کار آمریکا بماند و از آنها برای تنظیم رفتار آنکارا سود بجوید. ضمناً ایران و به‌ویژه فرانسه و روسیه نیز نسبت به کردها هریک سیاست‌ها و برنامه خاص خود را دارند. اگر روزی قرار باشد نقشه منطقه تغییر کند این با ظهور ژئوپلیتیک کرد در منطقه به منصف ظهور خواهد رسید. درحال‌حاضر جز اسرائیل هیچ کشوری به ظهور دولت کردی به عنوان یک تحول مثبت نمی‌نگرد. در قیاس با گذشته، کردها در سوریه از هیچ به هم‌رسیده نیستند.

ادامه در صفحه۱۵

خروج آمریکا از سوریه برای داعش، ایران و متحدان کرد چه معنایی دارد

رج علی‌الدین . روح الله نخعی

این خروج برای ایران چه معنایی دارد

به طور کلی، خروج ایالات متحده طینی در منطقه خواهد داشت و تعادل قدرت را به نفع ایران تغییر می‌دهد. ایالات متحده با حفظ نیروهایش در شرق، ایران را محدود کرده بود و به برخی سوری‌ها فرصتی داده بود از درگیری دور بمانند.

این خروج برای متحدان آمریکا در منطقه چه معنایی دارد

سرنجام، خروج ایالات متحده خیانتی به متحدان آمریکاست، گروه‌هایی که در میدان جنگ مشغول درگیری و زخم‌برداشتن بوده‌اند. این شامل گروه‌های کرد و عرب نیروهای دموکراتیک سوری هم می‌شود. حمایت از کردهایی که اغلب در ارزش‌های غربی شریک‌اند و عمیقاً خواستار شراکت با ایالات متحده در مقابل سرکوب بازیگران منطقه‌ای هستند، به شکل تاریخی به‌عنوان مهمی اخلاقی دیده شده است.البته بخش مسئله‌ساز ماجرا این است که «یکان‌های مدافع خلق (ی‌پ‌ک)» به «حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک)» وابسته است که ترکیه و ایالات متحده آن را سازمان‌تروریستی می‌دانند، از این رو همکاری ایالات متحده و ی‌پ‌ک در سوریه مسئله بفرنجی به رابطه با ترکیه به‌عنوان متحد آمریکا در ناتو ایجاد می‌کند؛ اما در این ناکامی در طراحی یک راهبرد پایدار و عملی، هم واشگتن مقصر است و هم آنکارا. این ناکامی باعث شد با تقویت رقبای ی‌پ‌ک و مشروط‌کردن حمایت آمریکا از این گروه به اشراک‌گذاری قدرت با دیگر بازیگران مقبول‌تر از نظر ترکیه، این گروه هم به بازیگر مقبول‌تری تبدیل شود. ایالات متحده در توسعه و بهره‌برداری از شراکت‌های خود با بازیگران غیردولتی در خاورمیانه عملکرد ضعیفی داشته است. این شامل گروه‌های کرد و عرب در سوریه و عراق هم می‌شود. واشگتن برخلاف رقبای منطقه‌ای، در تلاش برای تأثیرگذاری بر چشم‌انداز سیاسی، ارزش‌سازی برای اهمیت بلندمدت به این گروه‌ها قائل نیست. در آینده ممکن است ایالات متحده شُرکای خود را بی‌میل‌تر بیابد.

این شامل فراتر از شام هم می‌شود، در نقاطی مثل لیبی و افغانستان. در آینده، ی‌پ‌ک به احتمال زیاد وارد مذاکره با دولت سوریه می‌شود تا از تهاج متعابر ترکیه جلوگیری و حدی از خودمختاری را برای خود حفظ کند. ی‌پ‌ک به هر طریقی بخشی از ساختار سیاسی و حکومتی سوریه باقی خواهد ماند؛ اما نفوذ ایالات متحده، با تضعیف‌شده خواهد بود یا وجود نخواهد داشت.

آمریکا در چه وضعیتی قرار می‌گیرد

به طور خلاصه، خروج ایالات متحده از سوریه به این معناست: داعش ممکن است دوباره منسجم شود و اوج بگیرد، جای پای ایران در این کشور بیش از پیش محکم خواهد شد و متحدان کرد آمریکا احتمالاً مجبور به توافق با دولت اسد شوند. این یعنی دولت اسد و ایران، شریک برجسته در صحنه، برنده‌های احتمالی این افتخار از کار درمی‌آیند.

ادامه از صفحه اول

تو در نماز عشق چه خواندی؟!

همگان فکر می‌کردیم اگرچه تأسف‌بار، که گروه خود را به خواب زده نیز، با این جمله معروف آیت‌الله هاشمی که در کنار کعبه گفتند: «همه مخالفانم را بخشیدم»، بعد از رحلت ایشان، دیگر درباره این شخصیت دروغ نمی‌گویند و تهمت نمی‌زنند؛ اما گویا بعض شدید و کینه‌بلند این جماعت نه به شخص ایشان بلکه به افکار، راه و تفکر آن مرد بزرگ است که همچنان حتی از نشر و زنده نگه‌داشتن نام و یادش، احساس خطر کرده و حالا دیگر به قول مهندس محمد هاشمی، در همایش بررسی نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در نهضت امام خمینی با جسم آیت‌الله کار ندارند و می‌خواهند افکار ایشان را در جامعه مخدوش کنند؛ حتی اگر برای این هدف، امام عزیز و آن جمله تاریخی‌شان را که «هاشمی زنده است» به سخره بگیرند. خوب به خاطر دارم کاهی به دلیل اینکه عمق کینه‌ها، توهمین‌ها و تخریب‌ها علیه مجاهد نستوه، مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، از حد و حدود اسلامیت و انسانیّت خارج می‌شد، از ایشان کسب تکلیف می‌کردیم که برای پاسخ‌گویی به این حجم از توهمین‌ها، دروغ‌ها و تهمت‌های آشکار چه کنیم؟! ایشان با آرامش کامل و با همان لبخندهای همیشگی و معنادار خود می‌گفت: «هیج»- و وقتی تعجب ما را از این پاسخ کوتاه می‌دید، اضافه می‌کرد: «فی قلوبهم مرض، فرادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکتبون». باز به یاد دارم در جمع معدودی که خدمتشان بودیم، یکی از حاضران در ابتدای دیدار به ایشان گفت: آقای هاشمی، متأسفیم که اخیراً شنیده‌ایم شخصی در کسوت ذاکر اهل بیت (ع) به شما توهمین‌های بسیار کرده است. ایشان بلافاصله جواب داد: «بعد بطلطف»، «دیگر چه خبر؟» این روزها که ایران و انقلاب و نظام اسلامی، قشقرهای مختلف مردمی در شهرها و روستاهای سراسر کشور و حتی در سطح بین‌المللی و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و دینی در مجامع جهانی، خود را برای برگزاری مراسم دومین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آماده می‌کنند؛ اما متأسفانه شنیده‌ایم یا می‌شویم فِر، افراد با جماعتی هنوز حتی پس از رحلت رفیق ۵۹ساله رهبری، دست از کینه برنداشته، به اقتضای ذات خویش، حتی از پیگری بی‌جان این مرد بزرگ نیز در هراس‌اند و با اسم مسلمان، از شرع و انسانیت خارج شده و به تحریف تاریخ می‌پردازند. جملاتی گفته و می‌گویند که مجاری حلاج و آن شعر دل‌انگیز را به یاد می‌آورد که با تغییرات امروزی باید گفت:

تو در نماز عشق چه خواندی؟

که مدتی است در کرام مرگ رفتی و این...

از مردهات هنوز پرهیز می‌کنند!!

چرا سازمان زمین‌شناسی؟!

با منظورکردن هزینه‌کرد ملی در جبران مالی خسارات طبیعی، نقش سازنده و کلیدی سازمان‌های حاکمیتی و دانش پایه‌ای مانند سازمان زمین‌شناسی را در چرخه اقتصاد کشور دودچنان می‌کند. در مقیاس جهانی سازمان‌های زمین‌شناسی در شمار ساختارهای حکومتی یا مسئولیت ملی دسته‌بندی می‌شوند که به طور معمول به‌ویژه در میان کشورهای توسعه‌یافته و پیشرو از بیشترین سهم بودجه و اعتبار دولتی پس از اعتبارات بودجه‌های فعلی‌اتمی نظامی و فضایی برخوردار هستند. سازمان‌های زمین‌شناسی با تولید داده‌های پایه و انجام پژوهش‌های علمی، بنیادین و کاربردی همچون نوری تابیده بر مسیر دسترسی بر اهداف سند چشم‌انداز و مانند دیده‌بان بر آینده پیش‌روی کشور هستند. امروز انباشت نامتوازن نیروی انسانی گاه ناکارآمد برانگیزد تا تصمیمات کابینه‌ها به‌دست دهه گذشته، کسر بودجه عملیاتی، قوانین و تداخل ساختار سازمانی کهنه و به‌روزنشده و از همه ناگوارتر از دست‌دادن بیش‌ازپیش و روزافزون نیروی متخصص و کارآمد، به سبب درآمد و دستمزد نامتناسب با خواسته و نیاز دستگاه و کارشناسان، از مشکلات این سازمان است. بی‌گمان، مدیریت‌های پنج دهه پیشین سازمان زمین‌شناسی به‌ویژه دو مدیریت واپسین آن، یکی با ۲۰ سال تداوم و دیگری فقط با دوره‌ای یک‌ساله، هرکدام با دستاوردها و کاستی‌هایی گاه کوچک و گاه سرک همراه بوده‌اند که ویژگی قابل‌توجه و درخرو بیشتر آنها از ابتدا تاکنون جز در اندک مواردی ثبات مدیریتی به‌مور از مسئولیت‌اشنی از آمدورود کابینه‌ها نبوده است. اکنون در آخرین موج تغییرات مدیریتی رخ‌داده در سازمان اگرچه در حدود اختیارات قانونی مقام مافوق توجیه‌پذیری نماید ولی به‌مور از چرایی آن، در روش و رویکرد چندان قابل درک و پذیرش دست‌کم برای یکره کارشناسی نه‌فقط در سازمان متبوع که حتی در جامعه زمین‌شناسی کشور نمی‌نماید؛ به هرروی، پربیره نخواهد بود اگر مقام عالی وزارت صمت و مشاوران عالی ایشان با تکیه بر نیاز و راهبرد ترسیم‌شده برای سازمان زمین‌شناسی در اسناد بالادستی و سند چشم‌انداز کشور و با توجه به نیروی انسانی متخصص و توانایی ویژه و انکارناشدنی علمی و عملی موجود در سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور و با نگاهی درون‌زا به آن به‌مور از دسته‌بندی‌ها و تمایلات حزبی و اقتصادی مجموعه‌های پیرامونی و البته توصیه‌نامه‌های رنگارنگ، گاه سرکشاده و گاه پنهان، نسبت به انتخاب مدیریت ارشد چنین سازمانی اقدام مقتضی و به‌نگام معمول دارند. بی‌توجهی یا ساهد‌انگاری نسبت به چنین سازمان حاکمیتی دانش‌بنیانی نه‌فقط زینده دولت تدبیر و امید و وزارت متبوع نیست که بی‌گمان سزاوار جامعه زمین‌شناسی و معدن کشور و از آن بیشتر، اعتبار ملی و بین‌المللی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور و فرعیاتشان شاغل در آن نیست!